

فایدهٔ ادبیات

درس‌گفتارهایی از انتوان کمپانیون، امبرتو اکو و توماس پاول

برگردان: دکتر روح‌الله حسینی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

سرشناسه	:	حسینی، روح‌الله، ۱۳۵۷ - ، گردآورنده، مترجم
عنوان و نام پدیدآور	:	فایده ادبیات : درس‌گفتارهایی از انتوان کمپانیون، توماس پاول و امبرتو اکو/برگردان[صحیح: گردآورنده و مترجم]روح‌الله حسینی.
مشخصات نشر	:	تهران: نشرخاموش، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۱۵۰ص.؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	:	978-600-8330-02-8
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	چاپ قبلی: : آفتاب اندیشه، ۱۳۹۲.
عنوان دیگر :	:	درس‌گفتارهایی از انتوان کمپانیون، توماس پاول و امبرتو اکو.
موضوع	:	ادبیات -- فلسفه
شناسه روده	:	کمپانیون، آنتوان، ۱۹۵۰ - م.
شناسه افزوده	:	Pavel, Thomas
شناسه روده	:	پاول، توماس، ۱۹۴۱ - م.
شناسه افزوده	:	Compagnon, Antoine
شناسه افزوده	:	اکو، امبرتو، ۱۹۳۲ - ۲۰۱۶م.
شناسه افزوده	:	Eco, Umberto
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۴ف۲/ح/۴۹PN
رده بندی دیویی	:	۱۰۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۱۷۷۲

نام کتاب	فایده ادبی
مؤلف	انتوان کمپانیون، امبرتو اکو و توماس پاول
مترجم	روح‌الله حسینی
ویراستار	ریحانه سلیمانی
نوبت چاپ / شمارگان	اول ناشر / ۱۰۰۰
قطع	رقعی
لینتوگرافی / چاپ و صحافی	سراج / مجتمع چاپ رضوی
صفحه آرای	مجید شمس الدین
طرح جلد	محمد زمانی
قیمت	۱۰۹۰۰ تومان
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۳۳۰۰۲-۸

کلیه حقوق این اثر برای نشر خاموش محفوظ است.

ارتباط با نشر خاموش: ۰۹۱۳۱۷۸۱۹۲۰

www.khamooshpub.ir

khamooshpub@gmail.com



فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۷	ادبیات به چه کار می آید؟
۶۳	برخی کارکردهای ادبیات
۸۳	چگونه به ادبیات گوش فرادهیم؟

فایده ادبیات چیست؟ این پرسش اگرچه تازه نیست و دست کم از زمانی که سارتر می‌نوشت بارها و بارها از سوی نقادان و اندیشمندان مختلف مطرح شده^۱، لیکن هنوز گویی جواب درخوری نیافت است، زیرا همچنان در باب این فایده و اهمیت ادبیات، چون و چرا بسیار است. همچنان مطالعات ادبی لااقل در ایران از جایگاه شایسته‌ای برخوردار نیستند و کسانی که به این رشته روی می‌آورند، دل‌نگرانند که آیا انتخاب درستی داشته‌اند یا خیر. اما این غفلت، اگر نگوییم بیماری، تنها دامگیر ما نیست، بلکه در کشورهای همچون فرانسه، انگلستان، ایتالیا و یا آمریکا نیز، که در یک قرن اخیر از اسخیزترین سرزمینها در پرورش نویسندگان و شاعران بوده‌اند، جایگاه و نقش ادبیات در گستره علوم و معارف با تردیدهایی جدی روبرو شده است. شاهد این مدعا هم

۱ - پیش از سارتر، یک فرانسوی دیگر به نام شارل دوبس، در سال ۱۹۳۸ متنی با عنوان ادبیات چیست؟ نگاشته است.

چاپ و انتشار بیش از پیش مقاله‌ها، رساله‌ها و سخنرانی‌ها در دفاع از ادبیات است.

ناگفته، پیداست که منظور از ادبیات در اینجا، حوزه‌ای از دانش، و کارکرد آن در زندگی است. چه بخواهیم و چه نخواهیم، امروزه عده کثیری از، نمی‌گیریم مردم عادی، بلکه اهالی نظر و حتی فرهنگ هستند که به ادبیات با ایده زدید می‌نگرند و در فایده و اهمیتش در جامعه شک دارند. یکی از دلایل مهم این، بکرد، البته رشد افسارگسیخته علوم دقیقه و تسلط نگاهها و روشهای علمی در این حوزه دانش، در دو سده گذشته، بوده است، تا آنجا که در حوزه ادبیات، چیزی پدید آمد به نام علوم ادبی. یعنی ادبیاتی که از راه و روشهای علمی استفاده می‌کرد، و همچنان می‌کند. اما مشکل در اینجا بود که ادبیات، به اعتبار ذات و تعریف خنثی، همواره هم به راه و روش علوم تن در نمی‌داد و همچون اسبی چموش، مدام می‌رمید تا در بندش نکشند. آنجا هم که تن می‌داد و روشها به مانند جامد های رنگا رنگ بر قامتش، بریده، دوخته و آزموده می‌شد، همچنان این سوال باقی بود، حالا که چه؟ خوب، این که فهمیدیم ساخت و سازه این شعر اینگونه است، سودی دارد؟ در این میان البته خود دوستان ادبی، در لکه دار کردن حیثیت و مقام ادبیات بی‌تاثیر نبوده‌اند. به هر حال اما، تمام مشکل از آنجا ناشی شده است، که ندانسته و نمی‌دانیم که ادبیات چیست.

هرگز نشنیده‌ام که کسی بگوید برای کسب ثروت یا شهرت به ادبیات روی آورده است. اما بسیار بارها دیده‌ام که کسی را به خاطر دل سپردن به آن، نکوهیده‌اند، که مگر ادبیات هم شدن و آب! اما این ضم و این نکوهش بیش از آنکه از بخت برگشتگی و نامرادی ادبیات برآمده باشد، از ناآشنایی و جهل ما به فلسفه، به کیفیت و ضرورت ادبیات ناشی می‌شود. باری، مشکل

در اینجاست که عموماً نمی‌دانیم ادبیات چیست، و نمی‌دانیم چه کاربردی می‌تواند در زندگی ما داشته باشد.

کتاب پیش رو کوششی است در این جهت، کسانی که در اینجا سخن می‌گویند استادان بزرگ ادبیات جهانند: کمپانیون، پاول و اکو، که از سه ساحت فرهنگی متفاوت هم برخاسته‌اند. یکی از آمریکا، یکی از فرانسه و دیگری از ایتالیا. اما چرا این موضوع را پیش کشیده‌اند و به تصریح کاربردهای ادبیات و دفاع از آن روی آورده‌اند؟ به نظر می‌رسد هر سه دل‌نگران سرنوشت مطالعات ادبی، در کشورهای خود و البته در سطح جهانند. یعنی اینکه در فرانسه هم که همواره همچون مهد هنر و ادبیات شهره بوده، اقبال به ادبیات به عنوان یک رشته دانشگاهی رو به افول گذارده است! همان مصیبتی که ما سالهاست گرفتار آنیم، حتی در میان اهالی فرهنگ و دانشگاهیان ما هم، هر گاه سخن از ادبیات به میان می‌آید، نخستین و تنها چیزی که به ذهن می‌رسد شعراست و داستان، نه اینکه بدانیم فلسفه و کارآمدی این دو چیست، بلکه قصد بر این است که گفته یا بهتر است بگوییم القاء شود که ادبیات یعنی خواندن شعر و داستان و نهایتاً ردن از این دو. درست مثل همان لذتی که از نوشابه‌ای گوارا یا غذایی دلپای می‌بریم. پس از آن هم باید به موضوعاتی جدی‌تر بپردازیم! اما آیا ادبیات این است؟ یا فقط همین است؟ آنچه از این استادان بزرگ می‌آموزیم چیز دیگریست. زانیشا می‌آموزیم که انتخاب ادبیات به عنوان یک حرفه، شایسته و تحسین‌برانگیز است، و چه بسا از ژرف‌ترین و شریف‌ترین دغدغه‌های زندگی برمی‌آید؛ هر چند در ظاهر و بنابر تعاریفی، ادبیات شکل خدعه و نیرنگ داشته باشد. هر چه باشد، «این تقلبِ میمون، این نیرنگ، این خدعهٔ فخیم» به ما "امکان می‌دهد تا به زبان، خارج از قدرت گوش فرا دهیم (...)" این قول رولان بارت است. هم

او، که خود، روزی بالاترین و رشک‌برانگیزترین جایگاه علمی و دانشگاهی را در میان خیل روشنفکران و اندیشمندان فرانسوی داشت. بارت، ادبیات را "کتاب راهنمای زندگی" می‌دانست. درست مثل کتاب راهنمایی که برای هر وسیله پیچیده‌ای باید داشت تا بتوان از آن استفاده کرد. بارت عمیقاً به ادبیات و نقش آن در زندگی اعتقاد داشت، و به مانند مرادش در نویسندگی، مارسل برست، بر آن بود که "زندگی حقیقی، زندگی‌ای که در نهایت مکشوف و معلوم می‌شود، یگانه زندگی‌ای که بدین ترتیب واقعاً زیسته شده، ادبیات است."^۱ این تعریف و تعاریف دیگر از ادبیات، از جمله جملات زیبا، و به باور ما درستی است که در متن پیش رو و از زبان کومپانیون خواهید شنید. در کنار آن، بزرگان دیگر از هم‌پون ایتالو کالوینو، نویسنده مشهور ایتالیایی و خالق آثار بزرگی چون *بارون درخت شین*، هم سخن خواهند گفت: "چیزهایی را که ادبیات می‌تواند جستجو کند و یا مرز خیلی زیاد نیستند اما جایگزینی هم ندارند: شیوه نگریستن به دیگر، و به خود (...). تخمین ارزش چیزهای کوچک یا بزرگ (...). یافتن نسبت‌های رنگ، و جایگاه عشق در آن، و نیرو و آهنگ آن، و جایگاه مرگ و شیوه اندیشیدن و زندگی کردن به آن"، و چیزهای "ضروری و دشوار" دیگر، مثل "سختی، ترحم، غم، اندرز، طایفه"^۲.

در چنین نگرشی، ادبیات دیگر همچون سرگرمی و مسجری حظ و لذت و هیجان صرف نیست. بلکه اندیشیدن و جستجوی دانایی را با مقدم بر هر کارکرد یا هدفی دانست که ادبیات در پی آن است. در این نگاه، دیگر انتخاب میان ادبیات و علوم، به تفاوت در توان و نیروی اندیشیدن باز نمی‌گردد، بلکه این انتخاب به راه و برنامه و سلیقه انسانها در نگاه به زندگی و جهان بستگی

۱ - پروست، در جستجوی زمان از دست رفته، گالیمار، پاریس، ۱۹۸۷-۱۹۸۹، مجلد ۴، جلد ۴، ص. ۴۷۴.

۲ - کالوینو، "نخاع شیر" (۱۹۵۵)، "سنگی بر فراز" (۱۹۸۰)، ترجمه به فرانسه از ژ. پ. مانگانارو، در تحذیر هزارتوها، همان، جلد ۱، ص. ۲۰.

دارد. و گرنه در ادبیات، این آزمایشگاه بزرگ تجارب فکری بشر آنگونه که پل ریکور می‌گفت، نیز همچون در علوم، همان فرایند مشاهده، مقایسه و استدلال وجود دارد. تنها تفاوت در این است که ادبیات برعکس علوم که با موضوعی عینی و ملموس سر و کار دارند، با جهانی از موضوعات متغیر و ناپایدار و مبهم روبروست که نمی‌تواند و نباید از دل آنها قوانینی بیرون بکشد که در همه جا و در همه زمانها به یکسان عمل می‌کنند. دنیای ادبیات دنیای امور بی‌تاب و بی‌قرار است که جز در ادبیات و با کمک ادبیات بیان نمی‌شوند؛ همان امور و لحظه‌هایی که در وصف آنها، فلسفه هم، زمانی که صحبت از اخلاق یا شناخت هستی می‌گردد، درمی‌ماند.

شاید اغراق مینماید، نظر برسد، اما از خلال ادبیات و به یاری آن می‌توان نگاهی جامع به جهان را زندگی افکند، نگاهی که همزمان آمیخته به اندیشه و احساس است و صورتی از جهان را بر ما مکشوف می‌سازد که همان حقیقت ناآشنای آن است.

روح الله حسینی

تابستان ۱۳۹۲